خراسان روزنامه صبح ایران
دوشنبه ۱۰ دی ۱۳۹۷ . ۲۳ ربیع الثانی ۱۴۴۰ . شماره ۲۰۰۰۰

اثری برای بازخوانی وقایع «یک شنبه خونین» مشهد

«یک شنبه خونین مشهد ۱۳۵۷»، عنوان کتابی است که کار پژوهش و نگارش آن، توسط علی جان اسکندری و احمد ذاکری راد، انجام و از سوی انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است. این کتاب در بر گیرنده اطلاعاتی نسبتا جامع درباره وقایع روزهای نُهم و دهم دی ماه سال ۱۳۵۷ در مشهد است که بر اساس اسناد موجود و تاریخ شفاهی جمع آوری شده است.

تاریخ معاصر

آیا «رزم آرا» در ترور شاه دست داشت؟

۱۵ بهمن ۱۳۲۷، محمد رضا پهلوی در محوطه دانشگاه تهران، از سوی فردی به نام ناصر فخرآرایی مورد سوء قصد قرار گرفت، اما جان سالم به در برد. به گزارش پایگاه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، درباره عوامل اصلی این ترور، شایعات زیادی بر سر زبان‌ها افتاد و برخی آن را به حزب توده و گروه‌های مذهبی نسبت دادند.

اما در این بین، شایعه‌ای بسیار قوی وجود داشت که رزم‌آرا، رئیس ستاد ارتش را، طراح اصلی ترور می‌دانست؛ چرا که او بعد از محمدرضا پهلوی، دومین فرد قدرتمند ایران محسوب می‌شد و با توجه به شخصیت جاه‌طلب و قدرت‌طلبی که داشت، امکان صحت این شایعه، زیاد بود. طبق شایعه، هدف رزم‌آرا این بود که با از میان برداشتن شاه، قدرت را در ایران به دست بگیرد. او برای رسیدن به این هدف، به سفارتخانه‌های آمریکا و انگلیس نزدیک شده و قول اعطای امتیاز را به آن‌ها داده بود. شرایط سیاسی کشور در آن زمان به‌گونه‌ای بود که بخش مهمی از دولت و نمایندگان مجلس و نیروهای نظامی و انتظامی، وابسته به رزم‌آرا بودند و بعد از شاه، او در سیاست کشور تأثیرگذار بود و اگر شاه کشته می‌شد، بدون شک زمام امور کشور را در اختیار می‌گرفت. رزم‌آرا برای رسیدن به اهدافش، با سیاستمداران و احزاب مختلف ارتباط برقرار می‌کرد که از جمله این احزاب، حزب توده بود. کیانوری از رهبران حزب توده هم به‌صورت مستقیم و هم به‌صورت غیر مستقیم، از طریق هم‌حزبی‌اش، خسرو روزبه، با رزم‌آرا ارتباط داشت.

حزب توده، روز ۱۴ بهمن هر سال، مراسم یادبود دکتر تقی ارانی را برگزار می‌کرد که این بار، به پیشنهاد کیانوری، این مراسم به روز ۱۵ بهمن، یعنی همان روز ترور شاه موکول شد؛ ضمن این که رزم‌آرا، در همین روز به تمامی پادگان‌های نظامی پایتخت، دستور آماده‌باش داده بود. با این حال، فریدون کشاورز، از اعضای حزب توده که بعدها از این حزب جدا شد، ادعا می‌کند که کمیته مرکزی، هیئت اجراییه و دبیر کل حزب توده، از ماجرای ترور شاه کاملاً بی‌خبر بوده‌اند و کمیته‌ای به‌نام کمیته ترور که به‌صورت مخفی در حزب توده فعالیت می‌کرد و کامبخش و کیانوری آن را اداره می‌کردند، با ترور شاه ارتباط داشت. ضمن این که این کمیته، قبلاً ترورهایی را انجام داده بود؛ از جمله ترور دو روزنامه‌نگار به‌نام‌های محمد مسعود و احمد دهقان. کیانوری از طریق یکی از اعضای حزب توده به‌نام ارکانی، از چند ماه قبل از ترور شاه، با فخرآرایی ارتباط داشت.

در زمان ترور شاه، حزب توده به علت شکست فرقه دموکرات آذربایجان و مسائل حاشیه‌ای آن، دیگر قدرت سابق را نداشت تا بتواند بعد از مرگ شاه، قدرت را در دست بگیرد. اما رزم‌آرا به این علت که قسمت اعظم ارتش را در اختیار داشت، تنها کسی بود که می‌توانست از ترور شاه بیشترین استفاده را ببرد و این یکی از مهم‌ترین دلایلی است که ظن دست داشتن رزم‌آرا در ترور محمدرضا پهلوی را تقویت می‌کند.

گفت‌وگوی خراسان با علی اصغر نعیم آبادی، شاهد عینی واقعه ۱۰ دی ماه ۵۷ در مشهد

یک شنبه خونین؛ نقطه عطف انقلاب اسلامی در مشهد

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

مردم مشهد در تاریخ انقلاب اسلامی، نقشی ویژه داشته‌اند. بسیاری از نیروهای تأثیرگذار انقلاب، از اهالی مشهد بودند یا در این شهر مقدس، سکونت داشتند. به دیگر سخن، باید مشهد را یکی از نقاط ثقل انقلاب اسلامی ایران دانست. واقعیت آن است که از مهر ماه سال ۱۳۵۷ و در پی بازگشت حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای به این شهر و قوت گرفتن مثلث رهبری انقلاب در مشهد، متشکل از حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، مرحوم آیت‌ا... واعظ طبسی و شهید هاشمی‌نژاد، فعالیت‌های انقلابی این شهر، انتظام خاصی پیدا کرد. پس از واقعه حمله به حرم رضوی در آبان سال ۱۳۵۷ و در پی آن راهپیمایی‌های عظیم روزهای تاسوعا و عاشورا، حاکمیت رژیم پهلوی در مشهد به شدت متزلزل شد. مردم این شهر، در قطعنامه پایانی راهپیمایی روز عاشورا، رسماً به سلطه رژیم پهلوی در مشهد خاتمه دادند. پس از این راهپیمایی عظیم صدها هزار نفری بود که عوامل رژیم شاه در مشهد، به فکر ضربه زدن به انقلابیون افتادند و فاجعه حمله به بیمارستان ۱۷ شهریور و پس از آن، هجوم اراذل و اوباش، با پشتیبانی ارتش، به بیمارستان امام رضا(ع) رخ داد و به شهید و مجروح شدن جمعی از شهروندان مشهدی انجامید. با این حال، مدیریت قاطعانه و هوشیارانه مثلث رهبری انقلاب در مشهد، تهدید را به فرصت تبدیل کرد؛ تحصن ۱۳ روزه انقلابیون مشهدی در بیمارستان امام رضا(ع)، عملاً اوضاع را برای وابستگان به رژیم پهلوی در مشهد، بدتر کرد. تداوم تظاهرات در روزهای بعد، وقایع روزهای نُهم و دَهم دی ماه سال ۱۳۵۷ مشهد را رقم زد؛ وقایعی که طی آن، مشهدی‌ها آخرین میخ را بر تابوت رژیم کوبیدند و طومار عمر پهلوی‌ها را در شهر مقدس مشهد، در هم پیچیدند. آن چه در پی می‌آید، گفت‌وگوی خراسان با یک شاهد عینی است؛ علی اصغر نعیم‌آبادی؛ فیلم بردار آماتور وقایع سال ۱۳۵۷ و از جوانان انقلابی آن روزگار که بسیاری از اتفاقات منجر به پیروزی انقلاب اسلامی در مشهد را به چشم دیده است.

از روزهای منتهی به واقعه دهم دی ۱۳۵۷ یا همان یک شنبه خونین مشهد بگویید.

روز پنجم دی ماه بود که انقلابیون در مشهد، با برپایی یک راهپیمایی گسترده که آغاز آن مقابل مدرسه نواب و بیت آیت‌ا... شیرازی بود، به تحصن ۱۳ روزه بیمارستان امام رضا(ع) خاتمه دادند. راهپیمایی پرشوری بود و با سخنرانی حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای به پایان رسید. روز هفتم دی ماه بود که مطلع شدیم نیروهای نظامی، استانداری را محاصره کرده‌اند؛ علتش هم این بود که کارمندان استانداری تصمیم گرفته بودند به مردم بپیوندند و این، یعنی عملاً دولت در مشهد ساقط شده و کار به دست مردم افتاده بود. شهروندان خودشان را به استانداری رساندند و کارمندان انقلابی را نجات دادند. راهپیمایی بعدی، روز نُهم دی ماه برگزار شد؛ از مقابل حرم مطهر. روز عجیبی بود؛ مردم به صورت خانوادگی به راهپیمایی آمده بودند. روی جای بلندی رفتم تا بتوانم فیلم بگیرم. خیابان تهران (امام رضا(ع) فعلی)، مملو از جمعیت بود و جای سوزن انداختن نبود. خانم‌ها در حالی که فرزندشان را در آغوش داشتند، در راهپیمایی شرکت کرده بودند. شعارها خیلی تأثیرگذار بود؛ جمعیت هماهنگ فریاد می‌زد: لحظه به لحظه گویم، زیر شکنجه گویم، یا مرگ یا خمینی! وقتی جمعیت به فلکه برق (میدان بسیج امروزی) رسید، مسیر خود را به طرف خیابان بهار کج کرد. خیابان بهار باریک‌تر از خیابان تهران بود و به همین دلیل، تراکم جمعیت خیلی زیادتر شد. مردم با حرارت خاصی شعار می‌دادند: این مشت‌ها اندر هوا روزی مسلسل می‌شود! از چهارراه لشکر که گذشتیم، از دور خیل جمعیت را دیدم که روی یک بلندی ایستاده بودند؛ کنجکاو شدم و جلو رفتم. دیدم این بلندی، یک تانک ارتشی است که مقابل استانداری ایستاده است و سربازان هم از ترس یا از روی تمایل، به مردم روی خوش نشان داده بودند.

۱۰ دی ماه ۱۳۵۷ - مشهد؛ خیابان ملک الشعرای بهار

همین مسئله باعث شد که شایع شود ارتش به مردم پیوسته است؟

بله؛ اما نادرست بودن این شایعه خیلی زود معلوم شد. وقتی مردم مقابل استانداری نشستند و تحصن کردند، ناگهان از دور صدای موتور تانک‌ها به گوش رسید؛ رفته بودند و از خیابان دکتر فاطمی (شهید بهشتی فعلی) دور زده بودند تا بیایند و هم‌قطارانشان را نجات بدهند. سرهنگ کلالی نامی، مسئولیت نیروهای نظامی مقابل استانداری را بر عهده داشت و داخل جیپ ارتشی نشسته بود. تانک‌ها به مردم رسیدند و بدون کم کردن سرعتشان، به حرکت ادامه دادند؛ جمعیت راه باز کرد؛ برخی پریدند توی جوی آب؛ بعضی هم گریختند داخل کوچه و خیابان‌های مجاور؛ محشر کبرایی بود. من شوکه شده و رفته بودم پشت یک درخت. مسلسل تانک‌ها به کار افتاده بود و به مردم شلیک می‌کرد. خودم را رساندم به چهارراه لشکر. واویلا! دیدم تانک از روی دو نفر از خانم‌های تظاهرکننده گذشته است؛ یکی خانم چراغچی بود که چادرش رفت زیر شنی تانک و همان جا شهید شد. دیگری هم دختر نوجوانی به نام الهه زینال‌پور بود؛ فقط ۱۲ سال داشت. خواهر او هم در همین چهارراه به شدت مصدوم شد. داشتم دیوانه می‌شدم؛ آخر توحش تا چه حد؟! تانک‌ها از روی خودروهای حاشیه خیابان هم رد می‌شدند و مسلسل‌ها، افراد عادی را هدف قرار می‌دادند. روی یکی از تانک‌ها تعدادی از انقلابیون قرار گرفته بودند؛ آن قدر سرعتش زیاد بود که نمی‌شد کنترلش کرد. ناگهان دیدم پسربچه‌ای دوید و یک پیت حلبی خالی روغن را انداخت جلوی تانک؛ راننده تانک هم سرعت را کم کرد و فرصتی برای گریز افراد روی تانک فراهم شد. آن پسربچه را فراموش نمی‌کنم؛ حسین فهمیده‌ای بود.

از نظامیان هم کسی کشته شد؟

وقتی برگشتم به طرف استانداری، دیدم سرهنگ کلالی را کشته‌اند. ظاهراً یکی از انقلابیون با قمه به او حمله کرده و کارش را ساخته بود. تانک‌ها که دور شدند، فقط صدای ناله به گوش می‌رسید، صدای ضجه مادران و کودکان. هر چه بگویم، کم گفته‌ام. مردم خشمگین، به سمت فلکه تقی‌آباد (میدان شریعتی امروزی) حرکت کردند. در همین گیر و دار، فروشگاه اتکا و سینما شهر فرنگ، آفریقای فعلی، به آتش کشیده شد.

کار چه کسانی بود؟

معلوم نشد. اقدام مشکوکی بود. انقلابیون اصلاً چنین رویکردی نداشتند؛ یعنی برنامه آن‌ها این نبود. خانه فرهنگی ایران و آمریکا هم به دست مردم افتاد. دو دژبان در آن جا مقاومت کردند که به دست مردم اسیر و به بیت آیت‌ا... شیرازی منتقل شدند.

ماجرای آویزان کردن جنازه مأموران در میدان شهدا چه بود؟

عصر بود، شنیدم که جنازه کلالی را آورده‌اند و به بقایای ستون مجسمه شاه در میدان شهدا آویزان کرده‌اند. معلوم نشد کار چه کسی بوده است؛ ولی تردیدی ندارم که کار خود رژیم بود. آن دو دژبان بازداشت شده را هم، پس از آزادی از بیت آیت‌ا... شیرازی به قتل رساندند و پیکرشان را کنار کلالی آویزان کردند. من آمدم اول کوچه باغ عنبر تا از صحنه فیلم بگیرم؛ نظامی‌ها ایستاده بودند و نمی‌گذاشتند کسی جنازه‌ها را پایین بیاورد! مرا که دیدند به طرفم شلیک کردند. ناچار شدم از آن جا فرار کنم.

تکلیف جنازه‌ها چه شد؟

آخر شب آمدند و آن‌ها را بردند به پادگان لشکر خراسان؛ صبح روز بعد، آن‌ها را گذاشتند روی زمین، جلوی درجه‌داران و افسران و گفتند اگر آن‌ها را نکشید، با شما چنین می‌کنند و اگر شما نخواهید این اقدام را انجام دهید، ما خودمان شما را می‌کشیم. اویسی شب قبل به بیت آیت‌ا... شیرازی زنگ زده و کلی تهدید کرده بود. قرار بود از مردم زهرچشم بگیرند.

روز دهم دی ماه؟

بله؛ آن روز اصلا مردم تظاهراتی نداشتند. هر کس به دنبال کار خودش بود. ناگهان اول صبح، ۳۰-۲۰ تا تانک، نفربر و خودرو نظامی از پادگان بیرون آمدند و شروع کردند به تیراندازی طرف مردم؛ هر کسی را می‌دیدند، به او شلیک می‌کردند؛ از مشتریان نانوایی و بقالی بگیرید تا افرادی که در صف نفت ایستاده بودند؛ همه را به گلوله بستند؛ محشر کبرایی بود. پشت سر تانک‌ها نعش کش‌ها حرکت می‌کردند.

> اول صبح روز دهم دی ماه، ده‌ها تانک، نفربر و خودرو نظامی از پادگان بیرون آمدند و شروع کردند به تیراندازی طرف مردم؛ هر کسی را می‌دیدند، به او شلیک می‌کردند؛ از مشتریان نانوایی و بقالی بگیرید تا افرادی که در صف نفت ایستاده بودند؛ همه را به گلوله بستند؛ محشر کبرایی بود. خودم را رساندم چهارراه نادری؛ آن جا شده بود کانون درگیری؛ از داخل یک ساختمان، هر کسی را که عبور می‌کرد هدف قرار می‌دادند؛ حتی آمبولانس نمی‌توانست برای بردن زخمی‌ها نزدیک شود. مردم با دادن تلفات زیاد، وارد ساختمان شدند

چرا نعش کش؟

آخر پیکر شهدا را جمع می‌کردند تا بعداً از خانواده‌هایشان پول گلوله را بگیرند و پیکر شهید را تحویل دهند. خودم را رساندم چهارراه نادری؛ آن جا شده بود کانون درگیری؛ از داخل یک ساختمان، هر کسی را که عبور می‌کرد هدف قرار می‌دادند؛ حتی آمبولانس نمی‌توانست برای بردن زخمی‌ها نزدیک شود. مردم با دادن تلفات زیاد، وارد ساختمان شدند. رفتم به طرف بیمارستان؛ واویلا! اصلاً نمی‌شد داخل راهروهای بیمارستان امام رضا(ع) راه رفت؛ پر از زخمی بود. خودم را به هر زحمتی بود رساندم به زیرزمین تا از پیکر شهدا فیلم بگیرم؛ بماند که چه مصیبتی کشیدم تا بتوانم پروژکتور را روشن کنم. صدها شهید در آن جا آرمیده بودند؛ واقعاً در چهلمین سال پیروزی انقلاب، جایشان خالی است. نتیجه واقعه یک شنبه خونین، دقیقاً برعکس چیزی بود که رژیم تصور می‌کرد. مشهد از آن روز تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، توسط مردم اداره شد.

گزارش تاریخی

پشت پرده افزایش «درآمدهای نفتی» در دهه ۵۰

در سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۵۰، میزان تولید نفت ایران و در نتیجه درآمد حاصل از آن، با رشدی چشمگیر مواجه شد؛ به گونه‌ای که آمارهای موجود، حاکی از اختلاف بسیار زیاد درآمد حاصل از نفت در این سال‌ها در قیاس با سال‌های دهه ۱۳۴۰ است. به گزارش پایگاه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، به‌نظر می‌رسد آن چه در عرصه بین‌المللی باعث شد تا قیمت نفت به‌صورت چشمگیری صعود کند، در وهله نخست، جنگ شش‌روزه اعراب و رژیم صهیونیستی در سال ۱۳۴۶ و جنگ «کیپور» در ۱۳۵۲ باشد. از سوی دیگر، قدرت‌گیری غول نفتی تازه تأسیس «اوپک» که به‌تازگی توانسته بود هژمونی شرکت‌های نفتی را درهم بشکند و در قیمت‌گذاری بازار نفت نقشی فعال ایفا کند نیز بی‌تأثیر نبود. سیاست افزایش تولید نفتی پهلوی دوم را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن این دو عامل خارجی، تحلیل و بررسی کرد. او با وجود افزایش قیمت نفت، دست به تولید و فروش روزافزون نفت خام زد. به‌طور خلاصه می‌توان موارد زیر را به عنوان دلایل این افزایش تولید برشمرد: ۱- تلاش ناکام برای رسیدن به آن چه شاه دروازه‌های تمدن بزرگ می‌نامید: در نظر شاه، رسیدن به دروازه‌های تمدن از مسیر کانال توسعه وابسته می‌گذشت. او تمام تلاش خود را به کار می‌بست تا آن چه را به صورت ظاهری می‌توانست ایران را شبیه کشورهای غربی کند، انجام دهد. ۲- کمک به رژیم صهیونیستی: یکی از نخستین دلایل بین‌المللی افزایش صادرات نفت ایران، پر کردن خلأ نفتی حاصل از کاهش تولید کشورهای عربی بود. آنان به‌واسطه جنگ‌های شش‌روزه و کیپور، شیرهای نفتی خود را به روی رژیم صهیونیستی و حامیان غربی آن بسته بودند؛ لذا محمدرضا پهلوی با افزایش بی‌رویه صادرات خود، سعی کرد ضمن استفاده از این شرایط، هم صهیونیست‌ها را نجات دهد و هم بحران حاصل از شوک نفتی را که در غرب ایجاد شده بود، کنترل کند. ۳- مسابقه تسلیحاتی: در پی اعلام دکترین نیکسون و اطلاق عنوان ژاندارمی منطقه به شاه، ایالات متحده به این باور رسید که شاه باید بتواند برای رسیدن به این جایگاه، سلاح‌های لازم را در اختیار داشته باشد. به همین دلیل، درآمدهای نفتی می‌توانست دست شاه را در خریدهای نفتی‌اش که بخش اعظم آن سلاح بود، کاملاً باز بگذارد و او را در رسیدن به مقام ژاندارمی منطقه تقویت کند. ۴- بالا بردن پرستیژ متظاهرانه شاه با اعطای وام‌های خارجی: همزمان با دستیابی شاه به چنین درآمد سرشاری، او مصمم شد با اعطای وام و کمک‌های مالی بلاعوض، پرستیژ متظاهرانه خود را ارتقا بخشد. به همین منظور، وی به کشورهایی مانند ایتالیا، انگلستان، فرانسه و مصر، وام‌هایی با مبالغ هنگفت داد. این کمک‌ها، البته با اشاره آمریکا و در راستای اهداف این کشور انجام می‌شد و تناسبی با مقوله پیشرفت در کشورمان نداشت.

جناب آقای دکتر محمدحسن زدا
انتصاب شایسته حضرتعالی را به عنوان
سرپرست سازمان تامین اجتماعی
تبریک عرض می نماییم.
شرکت وحدت سازه خراسان (خانواده وحدتی پناه)
۹۷۱۵۲۸۰۵/ی

همکاران گرانقدرم
در روزنامه وزین خراسان
همزمان با انتشار بیست هزارمین شماره آن روزنامه
از اینکه قلم پیش نگاران روزنامه را بر زمین نگذاشته اید صمیمانه سپاسگزارم .
محمد حسین ملکی از قدیمی ترین خبرنگاران روزنامه خراسان (دهه ۱۳۴۰)
۹۷۱۵۳۴۲۲/م

تبلیغ موثر نوعی ارتباط برای پاسخگویی بهتر به نیازها ورضایتمندی بیشتر است

صفحه آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می‌پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com

کار آفرین نمونه و مدیرعالی محترم گروه نفیس پارت
جناب آقای مهندس نیکجو
حسن انتخاب جناب عالی به عنوان **کارآفرین نمونه استان خراسان**
رضوی از سوی اداره کل تعاون استان خراسان برای چهارمین سال متوالی را صمیمانه تبریک و تهنیت عرض می نماییم.
هیأت ورزش روستایی و بازیهای بومی و محلی بخش زبرخان
۹۷۱۵۳۱۹۴/ش

آگهی مناقصه یک مرحله ای نوبت اول
نام دستگاه مناقصه گزار: دانشگاه علوم پزشکی وخدمات بهداشتی درمانی سبزوار
موضوع مناقصه: واگذاری خدمات بهداشتی درمانی در ۴ مرکز و ۱۲ پایگاه سلامت تحت پوشش مرکز بهداشت شهرستان سبزوار به شرح اسناد مناقصه
مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: اشخاص حقیقی به ازاء هر مرکز مبلغ ۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰ریال و اشخاص حقوقی جهت کل موضوع مناقصه مبلغ ۲/۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰ریال بصورت ضمانتنامه بانکی یا واریز وجه نقد
محل و زمان دریافت اسناد: دبیرخانه مرکزی دانشگاه تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخه ۹۷/۰۱۰/۱۲ و یا از طریق مراجعه به نشانی اینترنتی www.medsab.ac.ir
محل و زمان تحویل اسناد و ارائه پیشنهاد: سبزوار، خیابان سیدجمال الدین اسدآبادی،جنب باغ ملی ، ستاد مرکزی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، طبقه چهارم ، حراست دانشگاه تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخه ۹۷/۱۰/۲۴
شرایط شرکت کنندگان: کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط مصرح در اسناد مناقصه
روابط عمومی و امور بین الملل
دانشگاه علوم پزشکی سبزوار ۹۷۱۵۳۳۷۴/ش

آگهی مزایده عمومی
شرکت شیر پاستوریزه پگاه خراسان در نظر دارد نسبت به فروش قطعات یدکی سپراتور ۱۵ تنی از طریق برگزاری مزایده عمومی اقدام نماید. لذا شرکت کنندگان در مزایده یاد شده می‌توانند جهت دریافت لیست و قیمت پایه قطعات و برگ شرایط و ارسال پاکات مزایده، حداکثر تا پایان وقت اداری روز پنج‌شنبه ۱۳۹۷/۱۰/۱۳ به امور قراردادهای شرکت واقع در کیلومتر ۱۳ جاده مشهد قوچان مراجعه و یا به سایت اینترنتی شرکت به آدرس www.khorasan.pegah.ir مراجعه نمایند. تلفن تماس: ۰۵۱-۳۵۴۲۰۷۲۵
۹۷۱۵۳۳۳۴/م

فراخوان مزایده عمومی (نوبت دوم)
(واگذاری مشارکتی واحد MRI بیمارستان حکیم نیشابور)
دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی شهرستان نیشابور در نظر دارد امور خرید یک دستگاه ام آر آی ۱.۵ تسلای SIEMENS (ترجیحا" مدل MAGNETOM Area) به صورت نو و دست اول و همچنین تجهیز ، راه اندازی و بهره برداری و ارائه خدمات تشخیصی بخش ام آر آی بیمارستان حکیم نیشابور را به صورت مشارکتی و از طریق انجام مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط واگذار کند . اشخاص واجد شرایط می توانند از تاریخ درج آگهی به دفتر حقوقی دانشکده واقع در شهرستان نیشابور و یا به سایت http://www.nums.ac.ir و همچنین پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به نشانی الکترونیکی http://iets.mporg.ir مراجعه و برگ شرایط مزایده را دریافت کنند . قابل ذکر است :
- تضمین شرکت در مزایده فوق مبلغ ۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال ضمانتنامه بانکی است .
- هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده است.
- آخرین مهلت تحویل پیشنهادات ، پایان وقت اداری روز پنج شنبه مورخ ۹۷/۱۰/۲۰ است .
روابط عمومی دانشکده علوم پزشکی نیشابور
۹۷۱۵۳۱۷۶/ش

پذیرش غیرحضوری آگهی های تبریک، تقدیر و تشکر
پذیرش تلفنی :
۳۷۰۰ ۹۹۹۹
پذیرش تلگرامی :
۰۹۱۵۴۷۱۱۳۰۰
۹۷۱۴۱۶۷۱/م